

نحوه تقسیم و توزیع آب بین کشاورزان و محلات شهر تبریز در دوره قاجار

غلامرضا درکنانیان

کارشناس بررسی و برنامه‌ریزی اسناد و مدارک سازمان اسناد ملی ایران

«و جعلنا من الماء کل شیء حی»

عناصر چهارگانه از جمله آب در زندگی و باروری موجودات زنده نقش اساسی دارند. آب در ادیان آسمانی از جمله در آئین یهود، در باور زردشتیان، در آئین مسیحیت و در دین مقدس اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و در کتاب آسمانی مسلمانان بیش از ۶۰ مرتبه از آب یاد شده و قداست و پاکی آن با الفاظ ملکوتی بیان گردیده است. ایرانیان کهن به باور اکثر مورخان حتی قبل از آئین زردشت، هم یکتاپرست بودند و هم به آب با دیده احترام می‌نگریستند و آن را موهبت اهورایی دانسته، قداست آن را پاس داشته و آن را آلوده نمی‌کردند تا جایی که پس از شست‌وشوی جان و تن، آب آلوده را در ظرفی ریخته و در چاه‌هایی که برای این منظور حفر می‌کردند، می‌ریختند تا آب جاری را آلوده نسازند و پاکی و طهارت آن را حفظ نمایند.

تمدن‌ها در کنار رودها و مناطق پرآب شکل گرفته‌اند و آب مایه رونق این تمدن‌ها بوده است. یکی از آثار جالبی که به وسیله باستان‌شناسان از دل خاک بیرون آورده شده و مربوط به تمدن‌های کهن می‌باشد، آثار مربوط به تأسیسات آبرسانی آنها بوده است مانند آب‌روهایی که



رومی‌ها و بیزانس‌ها از آن برای انتقال آب استفاده می‌کردند. اما این آب‌روها روباز بودند و در مسافت‌های نسبتاً کوتاه کاربرد داشتند، در حالی که در ایران و در قسمت‌های کویری و بیابانی به علت گرما و تبخیر آب، استفاده از آب‌روهای روباز به صرفه نبوده، بنابراین برای انتقال آب در فواصل طولانی و از دست نرفتن آن، از قنات که مجرای زیرزمینی برای گذر و انتقال آب بود، استفاده گردید.

همان‌طور که گفته شد در فرهنگ غنی ایران، آب همیشه جایگاه برجسته‌ای داشته است زیرا خصوصیات جغرافیایی کشور، با صراحت بیان می‌دارد که ایران از لحاظ آب در شمار سرزمین‌های خشک و کم‌آب جهان است و همین دو واژه «خشک و کم‌آب»، اهمیت حیاتی بودن این عنصر ارزشمند را، آشکار می‌سازد. لذا در سرزمینی چون ایران که قسمت عمده آن را کویر و کوهستان تشکیل داده هر قطره آبی که از آسمان فرو ریزد یا از دل خاک بر روی زمین جاری شود، برای مردم این مرز و بوم، و برای آبادانی و زندگانی دد و دام و وحوش و پرندگان بسیار حیاتی و ارزشمند است. به همین جهت آب در طول تاریخ، همیشه یک مسئله مهم اقتصادی و اجتماعی برای کشور ما بوده است و به علت کم‌آبی، کشور در گذشته به وسیله آب‌انبارها، قنات‌ها، چاه‌ها، چشمه‌ها و نظایر آن، سیراب می‌گردید.

پس فلات ایران که سرزمینی نیمه‌خشک و بیابانی و کم‌آب به شمار می‌رود نیز خطر کم‌آبی را در زمان‌های نه چندان دور احساس می‌کند. مسئله آب در این کشور از دیرباز دارای اهمیت بوده و امری حیاتی به شمار می‌رفته و برای تهیه و رساندن آن به شهرها و مزارع از طرق مختلفی استفاده کرده‌اند و تقسیم آب به وسیله بستن سد و بند در بسیاری از نقاط کشور دیده می‌شود، خواه در این نقاط آب از رودخانه سرچشمه گرفته باشد، خواه از نهر یا قنات.

چه بهتر زین به گیتی افتخاری که از شورابه شیرینی برآری

سابقه ایجاد شبکه آبیاری و حفر جوی‌ها، ترعه‌ها، قنات، کاریزهای زیرزمینی و ایجاد بند و سد و غیره در سرزمینی که آذربایجان نامیده می‌شود، دست‌کم به هزاره نخست پیش از میلاد و فرمانروایی دولت اورارتو بر این سرزمین می‌رسد.



شهر تبریز که به‌عنوان یک شهر بزرگ و مهم در طول تاریخ مطرح بوده و به گفته استاد شهریار پیر روزگار نام دارد^۱، خود از گذشته‌های دور با مشکل کم‌آبی مواجه بوده و به همین دلیل برای استفاده بهتر و صحیح‌تر از آب قنات‌ها و رودخانه‌ها، برنامه‌ریزی‌های متعددی وجود داشته و در ادوار مختلف و دوران حکام محلی یا منطقه‌ای توزیع آب در این شهر با امکانات آن زمان صورت می‌گرفته است. نادر میرزا در کتاب *تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز* می‌نویسد: «آب این شهر عذب^۲ و از دو ممر^۳ است: نخست از رودی که مهران‌رود نامند و از سهند بر زیر احجار غلطان غلطان جاری است و بسال یک‌هزار و دویست و پنجاه و چهار که من به تبریز آمدم، این رود در همه روزهای سال چون دریایی به شهر جاری بود. کنون به دو علت تبریز را از این نعمت بهره نیست، نخست آن است که به روزگار گذشته پادشاهان را فرمانی سخت بود که در نفس شهر تبریزیان غرس اشجار ننمایند تا آب را زیانی نباشد و این قانون تا به اول روزگار پادشاهی محمد شاه به جای بود. اکنون بر این حکم خط بطلان کشیده‌اند. سواحل این رود از دو طرف تا به اصل جبل و منبع توانم گفت که یک باغ مشجر است ... علت دویم آنست که مالداران شهر کهریزها^۴ حفر کرده‌اند که همه در سواحل این رود است و بهر چند زرعی رشته کهریز از زیر مجری بدانسوی گذشته و اندکی از آن سوی رفته و به تازه بدین سوی رود راه بریده‌اند. اکنون همه این مجری بالای رشته قنات است. چون راه به شهر نزدیک کنند سوراخی از رود به کهریز بگشایند و آن را گنگ آب نامند. اکنون از اول ثور^۵ تا به آخر میزان^۶، قطره‌ای آب در این رود نامدار دیده نگردد مگر به بهاران که سیلاب‌ها خیزد تا به آخر ثور و به ماه قوس^۷، خزان و زمستان و پایاب و مصب این رود آجی است و آن رود هنگام طغیان بس عظیم است».

در مورد قنات‌ها همچنین می‌نویسد: «کاهریزهای این مصر^۸ معظم را بدو سلک منسلک نمودیم. اول آنست که باستانی و به روزگار پیشین حفر شده، دویم آن رشته‌هاست که بدین قرن آخر بزرگان و بازرگان بردیده‌اند».

متأسفانه در حال حاضر قنات‌های قابل بهره‌برداری از حد انگشتان دست‌ها تجاوز نمی‌کند آن هم با آب‌دهی اندک و با زحمت‌های فراوان.



به غیر از مهرانرود و قنات‌ها، قسمتی از آب مورد نیاز تبریز، از تلخه‌رود یا آجی‌چای تأمین می‌شده است. این رودخانه مهم‌ترین رود دشت تبریز است که در ده کیلومتری شمال تبریز، در دره‌های کوه عینالی (سرخاب) جاری است و مزارع جنوبی شهر را سیراب می‌کند. اما از منابع عمده و مهم تأمین آب تبریز و روستاهای اطراف، همان رودخانه لیقوان (مهرانرود) است که از دامنه‌های شمالی رشته کوه‌های سهند سرچشمه می‌گیرد و بعد از گذر از دره اصلی لیقوان^۸، چشمه‌سارهای متعددی از دره‌های شرقی و غربی لیقوان به آن پیوسته در مجموع رود پرآبی را تشکیل می‌دهند. جریان رودخانه از جنوب به شمال است و لیقوان اولین روستایی است که مشروب می‌سازد. آب این رودخانه پس از رسیدن به روستاهای بیرق و هروی به شهرک باسمنج می‌رسد و پس از آبیاری اطراف مسیر خود در دره باسمنج به طرف شمال حرکت کرده و به موازات جاده ترانزیتی تهران- تبریز جریان می‌یابد تا به روستای بارنج در شمال کوی ولیعصر تبریز می‌رسد. در این حدود مسیر خود را تغییر داده به طرف شمال غربی متوجه می‌شود و پس از طی مسافتی وارد منطقه تبریز شده، در امتداد کوه عون‌بن‌علی یا کوی سرخاب پیش رفته و مهرانرود یا میدان‌چایی نامیده می‌شود. همان‌طور که در پیش آمد این رودخانه در آبرسانی به شهر تبریز برای استفاده شهروندان و حیات‌بخشی به باغ‌ها و بوستان‌ها نقش اساسی داشته و دارد و در طی دوران مختلف پیوسته اختلافاتی بر سر تقسیم آب آن بین ساکنین روستاهای مختلف مسیر رودخانه و مردم شهر، وجود داشته و هر زمان که شهر مرکزیت داشته و مسئولانی چاره‌اندیش در صدر امور قرار داشتند، آب این رودخانه وارد شهر شده و نیاز شهروندان را مرتفع می‌نموده، اما مواقعی که شهر خود با نابسامانی مواجه بوده است، ساکنین روستاهای مسیر، آب را برای مصرف کشاورزی به کار گرفته و به جز در فصل زمستان آب آن به شهر نمی‌رسیده است. یکی از این زمان‌ها که اختلاف شهروندان و روستائیان بالا گرفته، به زمانی مربوط می‌شود که تبریز ولیعهدنشین بوده و عباس میرزای ولیعهد، فرزند دلیر و با لیاقت آذربایجان، این شهر را رونق می‌بخشد و نیروی نظامی مستقر نموده، قورخانه ایجاد کرده و به وضعیت توزیع آب سر و سامان می‌دهد. عباس میرزا همچنین در آبادانی و رونق قنات‌ها کوشا بوده است. نادر میرزا در اثر



ارزنده‌اش در این مورد می‌نویسد: «عباس میرزا به آبادانی قنات خشکیده شاه‌چلی فرمان داد و آب آن به حدی بود که به فرمان وی در سطح کوه سرخاب، طاحونه‌ها (آسیاب) ساختند». قنات شاهزاده و قنات‌های دیگری نیز به دستور نایب‌السلطنه حفر شد. در سال ۱۲۲۶ قمری (در زمان پادشاهی فتح‌علی‌شاه قاجار) به دستور عباس میرزا برای تقسیم آب مهران‌رود بین روستائیان مسیر این رود و اهالی شهر تبریز، توافق‌نامه‌ای توسط مسئولین شهر و کدخدایان روستاها تنظیم گردید که به «فولادنامه» معروف است و به‌وسیله آن آب رودخانه به نحو بسیار مطلوبی بین زارعین روستاها و محلات شهر تبریز توزیع گردید. این شاهزاده قاجار دستور داده بود که کف رودخانه از سنگ ساختمانی مفروش شود و برای اینکه رسوبات رودخانه و شن و ماسه بستر آن را پر نسازد، دستور اکید صادر کرده بود که هر روستایی که از روستاهای شمال تبریز و از منطقه قره‌داغ به تبریز زغال، میزم، میوه، کالا و غلات می‌آورد، بایستی به اندازه ظرفیت گونی و جوال خود، از رسوبات رودخانه پر کرده و به خارج شهر حمل نماید تا از عوارض کالا و حمل و نقل معاف باشد.

متأسفانه اصل سند (فولاد نامه) در دسترس نبوده و معلوم نیست نزد چه کسی می‌باشد. به دلیل عدم دسترسی به اصل آن ناچار از نسخه‌های دست‌نویسی که در سال ۱۳۰۵ شمسی از روی اصل سند نوشته شده و در سازمان‌های متولی آب استان (سازمان آب منطقه‌ای و شرکت آب و فاضلاب) نگهداری می‌شود، استفاده نموده و معرفی می‌گردد.

این سند به طول ۲ متر و عرض ۳۵ سانتی‌متر است که در صدر آن عبارت طیه بسم الله الرحمن الرحیم ذکر شده و در قسمت بالای عبارت جای استشهاد بوده و علماء عظام گوشه راست سند و معاون اداری بلدی گوشه چپ آن را مهر کرده و مطابقت سند با اصل آن را تأیید کرده‌اند. همچنین در قسمت پایین آن جناب میرزا علی‌اصغر شیخ‌الاسلام طاب ثراه ضمن اظهارات خود، ضرورت مراعات حال محلات آخر شهر جهت رسیدن آب به املاک آنها را قید فرموده که مشارالیه، هم قسمت پایین این تصدیق و هم قسمت پایین سند را مهر نموده‌اند. تاریخ تنظیم سند شانزدهم رمضان المبارک ۱۲۲۶ می‌باشد که در مورخ ۱۳۰۵/۳/۲۲ شمسی از آن



نسخه برداری شده است. نسخه دوم این سند با خط خوش تحریر شده ولی اغلاطی هم در آن دیده می شود که در بازنویسی سند صورت صحیح کلمات نوشته شده است.

همچنین در نسخه ای دیگر از فولادنامه که در سازمان آب نگهداری می شود در قسمت پایین سند اول، بعد از مهر میرزا علی اصغر شیخ الاسلام به ترتیب اسامی فتحعلی خان بیگلریگی، محمد الحسینی، میرزا محمد وزیر، میرزا فضل الله وکیل، آقا محمدعلی کدخدا، میرزا عبدالوهاب کدخدا، حاج اسمعیل کدخدا، آقارضا کیل کدخدا، رجبعلی کدخدا، آقا کریم، حاجی باقر کدخدا و میرزا علیقلی کدخدا دیده می شود که اصل سند را مهر نموده اند و در واقع این نشانگر نظارت و تأیید و تصدیق بیگلریگی، علما، وکلا و کدخدایان روستاهای مسیر رودخانه بر اجرای درست این تقسیم نامه است. بدین گونه بر کار سازماندهی آب و تقسیم آن بین محلات شهر و روستاها، این بزرگان و علما و کدخدایان بوده اند که نظارت داشته اند و بر آن صحه می گذاشتند و احیاناً اختلاف پیش آمده را بر مبنای سند تنظیم شده، حل و فصل می کرده اند. در سند دوم که تاریخ تنظیم آن ۱۳۰۹ قمری می باشد و به اداره بلدیه و تأمین آذوقه مرکزی آذربایجان نوشته شده، در واقع نحوه تقسیم آب را دوباره متذکر شده و برای نظارت بر اجرای آن، به اداره بلدیه ابلاغ گردیده است.

قسمت بالای سمت راست سند توسط مرحوم طباطبایی مهر شده و دارای مهر امیر نظام، حاج سید یوسف طاب‌تراه و در حاشیه سمت راست سند محل مهر نظم السلطنه بوده است که این علماء عظام و رجال کشوری به اتفاق ضمن تأیید و تصدیق این فولادنامه بر اجرای آن و عدم تخلف از آن دستور اکید داده اند. تا زمانی که شهر تبریز دارای لوله کشی آب شود، یعنی سال ۱۳۲۶ شمسی این اسناد اعتبار داشته و تقسیم آب براساس آنها صورت می گرفته است و بعد از لوله کشی آب، این تقسیم بندی خود به خود ارزش اجرایی را از دست داده است و حتی در مواقع کم آبی یا خشکسالی نیز که سطح آب پایین می آمده، نمی توانسته معتبر و قابل اجرا باشد زیرا این تقسیم بندی با میزان آب ارتباط مستقیم داشته است.

آن گونه که از متن فولادنامه برمی آید، تقسیم بندی سهم آب با موقعیت زمین و دهات و نوع محصولات نیز ارتباط داشته و در این سند تصریح شده است که آبیاری شهر در باغ و زراعت



مقدم بر محال و دهات بوده و از ابتدای نوروز تا هفتاد و پنج روز مخصوص شهر و بعد از آنکه آبیاری زراعات و باغات شهر تمام شده، مختص دهات بوده است و بعد در بین دهات اولویت با بایرز، نعمت‌آباد و کرکج بوده و در ایام نوبت دهات اضافه آب آنها، باز در این سه قریه مصرف می‌شود و هرچه از این دهات اضافه ماند، مخصوص باغمیشه، پلسنگین و بلهجان و خیابان باشد. ۲۵ روز مانده به فصل پاییز باز آب رودخانه مختص آبیاری شهر می‌باشد و یک ماه از پاییز گذشته اختصاص به دهات دارد که در آن هنگام بذر کاشته و احتیاج به آبیاری دارند. براساس فولادنامه آب رودخانه به یکصد و بیست و چهار سهم کامل تقسیم شده که پنجاه و چهار سهم آن مخصوص دهات و هفتاد سهم آن مختص شهر است.

«روزهای جمعه آب شهر مخصوص خالصجات است. تحت آب رودخانه محصول شتوی (زمستانی) نباید کاشته شود و هر کس قنات ندارد، به امید رودخانه پنبه‌دانه، پالیز (خربزه) و هندوانه کاشتن را موقوف دارد که باعث تنگی و قحطی آب رودخانه نباشد».

با اینکه سندی که در شرکت آب و فاضلاب نگهداری می‌شود و سندی که در سازمان آب منطقه‌ای می‌باشد از روی یک سند بازنویسی شده ولی در عبارات آن مختصر تفاوتی وجود دارد که در معرفی فولادنامه، سندی که در شرکت آب و فاضلاب نگهداری می‌شود، اصل گرفته شده و بازنویسی گردیده است.

امید است با دستیابی به اصل فولادنامه و انتقال آن به آرشیو منطقه شمال غرب سازمان اسناد ملی جهت حفظ و نگهداری و آماده سازی برای استفاده محققان و پژوهشگران و تکمیل گنجینه اطلاعات مربوط به مسایل آب گامی مثبت برداشته شود. به هر روی سندی که در این نوشتار معرفی شده است، نشانگر وضعیت تقسیم آب بین محلات شهر تبریز و کشاورزان و روستائیان حومه آن بوده و در اصل نظامنامه توزیع آب تبریز می‌باشد که نظر به اهمیت آب در زندگی بشر و نحوه استفاده مناسب از آن پیش روی خوانندگان عزیز قرار می‌گیرد، باشد که مفید واقع گردد.

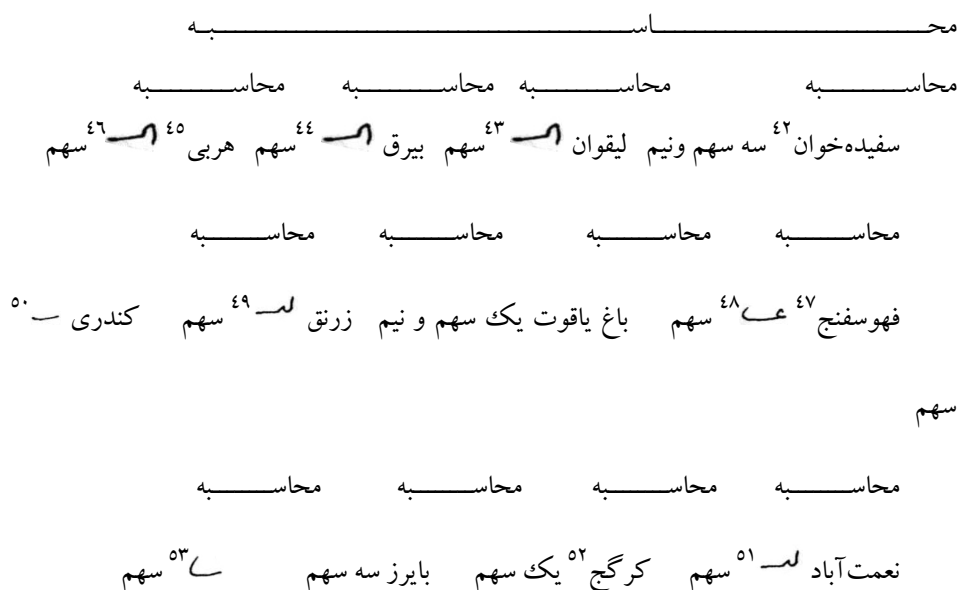


«بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس فزون از اندازه و قیاس جناب مالک الملکی را سزااست که جویبار ابدان انسانی را به جریان عین‌الحیوة روح آراست و دهقان پر از صنعش قطع متجاوزات ارضی را بالطول و العرض از آبیاری انهار غروب آثار، رشک گلزار بهشت برین گردانید و صلوات بلانیهای بر اشرف^۹ کاینات، رهبر و رهنمای بریات که در وادی بی‌باران، برای ری باران، چشمه روشنش از روان از میان بنان^{۱۰} روان ساخت و تحیات بی‌غایات بر آل و اولاد [او] باد که در پیدای سموم‌انگیز ضلالت، آب خوشگوار هدایت به کام تشنه‌کامان چشانیدند، معطشان^{۱۱} تیه^{۱۲} غوایت^{۱۳} را به پیمودن زلال محبت از بادیة جهالت رهانیدند. اما بعد غرض از اجرای سلسیل^{۱۴} مقال در جدال این سطور سلسال^{۱۵} امثال آن است که چون در ایام قدیم به صوابدید عقلا و کاردانان هوشمند دارالسلطنه تبریز صانها الله عن الآفات و التهریز^{۱۶} رودخانه جاریه از محال مهران‌رود را به اصل شهر و قرا و بلاد و قسط و قراری فی‌مابین مردم مشخص و معمول بوده که از قرار در میان خودشان آب را تقسیم می‌نموده‌اند، بعد به علت اغتشاش و خرابی‌ها از مرور ازمنه و دهور، قسمت و قرارداد مزبور اختلال یافته و هر کس از اهالی بدون قاعده و قانون به آبیاری ملک خود شتافته، بعضی سیراب^{۱۷} و بعضی از تشنگی در تاب و از بی‌آبی در التهاب مانده بودند، تا اینکه در این زمان^{۱۸} معدلت بنیان که از اشاعت عدل و افاضت جود سلطان عادل و خاقان باذل دریادل، داور دین‌پرور، خسرو عدالت گستر، سحاب بارنده، آفتاب تابنده، بحر گوهرفشان، سپهر نصفت جهان، کوه تمکین چشمه‌سارها، سرور دین، قهرمان الماء و الطین، ظل الله تعالی فی الارضین، قآن ابن قآن، خاقان ابن خاقان السلطان فتحعلی شاه، لازال ظله ظلیلا^{۱۹} فوق رؤس الانام^{۲۰} آب امن و امان در جویبار عدالت جاری و فتنه و هراس در زوایای عدم متواری گردیده، تنظیم مهام آذربایجان را به کف کفایت و حسن درایت نواب کامیاب مالک الرقاب^{۲۱}، سرو بوستان سلطنت و ماه آسمان خلافت، برق خرمن اشرار و سحاب کشتزار احرار، شاهزاده کامکار دیندار، مؤید به تأییدات کردگار، الغازی فی سبیل الله و المجاهد لدین الله^{۲۲} نایب السلطنه البهیة^{۲۳} العظمی و خلیفه الخلافة^{۲۴} العلیه^{۲۵} الکبری، ولی النعم فخر ابرار عالم عباس [میرزا] زیدالله ظله الاعلاء^{۲۶} که انهار عدل و انصاف در حدائق بلاد آذربایجان روان داشت و هیچ فردی را از زلال خوشگوار عدل و

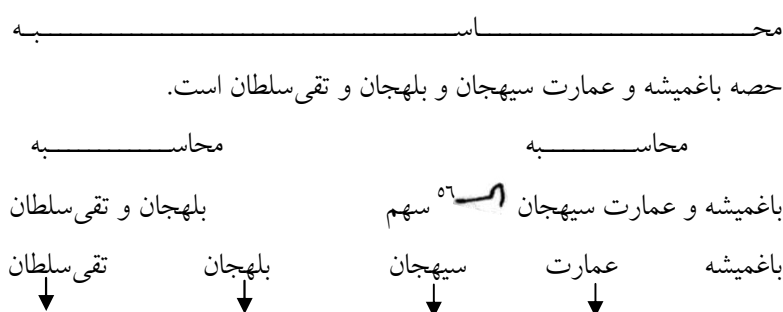


احسان و مواید فواید سرو امتثال، خشک لب و بی‌بهره نگذاشت، مفوض^{۳۷} فرموده، امنای دولت جاوید مدت و کارگزاران دربار شوکت مدار معلا، تنظیم و تنسيق^{۳۸} عالیجاه معلى جایگاه، مجدت و مناعت آگاه، فخامت و عظمت و اجلال دستگاه، چاکر^{۳۹} جان نثار دولتخواه این درگاه^{۴۰} جهان پناه فتحعلی‌خان بیگلربیگی دارالسلطنه مزبور یزید^{۴۱} اقباله العالی و به صلاحدید و صواب‌اندیشی اجله سادات فضلا و اعزه نجبای نقبا و عمال خجسته اعمال کدخدایان با عزت و شأن و دیگر ریش‌سفیدان مصلحت‌دان شهر و محل تجدید قاعده نظام و تحدید^{۴۲} حدود خیریت فرجام را حسب الاتفاق اهالی ولایت از خاص و عام بدین موجب قیام و اهتمام تمام مالا کلام نموده و چنین^{۴۳} بنا گذاشتند که چون زمان آبیاری شهر در باغ و زراعت همیشه مقدم بر محال بوده، باز مقدم^{۴۴} و آب رودخانه را از ابتدای نوروز الی هفتاد و پنج یوم مخصوص شهر باشد و بعد از آن نظر به اینکه آبیاری زراعت شهر تمام شده، باغات هم در آن وقت احتیاج چندانی ندارند، مختص دهات و لکن در ایام نوبه شهر قریه بایرز، نعمت‌آباد و کرگج^{۴۵} بقدر حصه خودشان آبیاری نمایند و در ایام نوبه دهات فاضل آب آنها باز در این سه قریه مصرف می‌شود و هر چه از آنها اضافه ماند، مخصوص باغمیشه و پلسنگین و بلهجان و خیابان بوده باشد و هرگاه فاضلی بماند، سایر محصولات توانند برد. چرا که کوچه باغات دیگر کم و بیش آب قنات^{۴۶} دارند و اینها ندارند و نوبه محلی ممتد است الی انقضای مدت یک ماه از تابستان که در این مدت اکثر زراعت شتویه^{۴۷} مردم قراء از آبیاری خارج خواهد شد. بعدها الی بیست و پنج یوم به اول خریف^{۴۸} مانده باز آب مختص به شهر باشد، چون یک ماه از خریف منقضی^{۴۹} باشد، باز اختصاص به دهات دارد که در آن وقت تخم را به زمین خشک انداخته، محتاج آبیاری می‌باشند و در این ایام که آب مختص شهر است، آب رودخانه تنگی دارد و به همگی کفایت نمی‌کند، لهذا^{۵۰} محتاج است به مناوبه^{۵۱} و تقسیم به نحوی که قدیماً معمول بوده، پس مجموع آب رودخانه در بلاد و دهات به موازی یکصد و بیست و چهار سهم کامل قسمت نمودند؛ پنجاه و چهار سهم آن مخصوص قرای مفصله ذیل است و هفتاد سهم آن مختص شهر است که در ایام هفته به غیر از یوم جمعه که خالصه و منحصر به اراضی و باغات خالصه است، آب شهر را در هفتاد سهم قسمت و هر کسی در نوبه خود آبیاری نمایند و یازده سهم آن



مخصوص باغمیشه و عمارت و سیهجان و بلهجان و تقی سلطان است، باید حصه خودشان را هر روز سوا کرده، بعد از وضع حصه آنها در شش روز هفته، بعد از ظهر یوم جمعه که خالصه تمام است تا ظهر پنجشنبه که اول خالصه دیگر باشد، سه روز اول مختص است به محله خیابان^{۵۶} و در باب ری که پلسنگین باشد، بمنابیه یا مقاسمه آبیاری نمایند و سه روز دیگر مخصوص به باغ است. سلیم و درب اعلاء و محله امره قز^{۵۷} و سایر کوچه باغات بدین تفصیل که در تحت السطر مفصل و مشروح است، جمعاً و جزواً تساوی ایام ثلثه با وجود تفاوت یک سهم از سی سهم بنایش بر آن است که چون منزل

جمع سهم الشهرسی است:

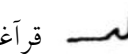




دو سهم و نیم دو سهم و نیم دو سهم و نیم دو سهم

الباقی بعد الوضع

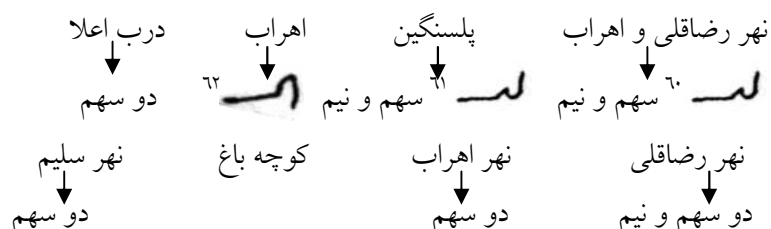
سه روز اول: نهر شمال که به بعضی اراضی نوبر هم جاری است با خیابان ^{۵۷}  : نهر میانه جوکه به پندامه ^{۵۸} مشهور است سه سهم.

سه روز ثانی: نهر شهره جو: (انگج ویجویه  قرآج  سهراب بک ) ^{۵۹}

سهم

: محله امره قز

مختص خیابان دو سهم مختص اراضی بلهجان که در زیر نهر مزبور است یک سهم



آب کوچه باغ دور است، به این وسیله تلف عرض راهی را تلافی نموده باشند و نسبت نهر رضاقلی و نهر اهراب با نهر شمال و نهر پندامه اگر چه در تقسیم ثلث و ثلثان است، اما قلت یک سهم در ثلث و زیادتی آن در ثلثان بنایش بر آن است که بعضی اراضی نهر رضاقلی از نهر شمال آبیاری می‌شود و چون در بعضی انهار مزبوره آب ملکیت و در بعضی آنها بحکم مباحیت معمول می‌شد، لهذا شرح آن در این دفتر لازم است که به چه طریق عمل نمایند. در باغمیشه و بلهجان و خیابان و امره قز و پلسنگین و درب اعلاء و نهر سلیم چون به طریق مباحیت معمول است، شرعاً و عرفاً، مآلاً ^{۶۳} و عملاً باید از ابتداء گرفته الی انتها آبیاری نمایند و در هر نوبه از هر جا که مانده است در هفته دیگر از آنجا ابتداء نموده تا به آخر برسد، بعد باز از اول ابتداء نمایند یا آنکه به رضای ارباب حقوق انتها، ابتداء نموده به مبتداء منتها نمایند یا بنا را به مقاسمه گذارند. همچنین در نهر اهراب و در حقایه شهره‌جو که از آن جاری می‌شود، املاک نوبر و مهادهمین و سایر محلات دیگر حقایه ندارند، الانهر سلیم و در هر کدام قنوات جاری می‌باشد، چه بیوتات و چه



باغات از قنات آبیاری می‌شود، مجموع باید به انگج^{۶۴} آنها برسد، بعد از انگج، ارباب حقوقش به قدر مالکیت از آن تصرف می‌نمایند و علاقه به اراضی ندارند و رقبه آب علاحد و رقبه زمین علاحد است، دیگر اینکه در تحت آب رودخانه محصول شتوی باید نکارند و هر کس قنات ندارد، به امید آب رودخانه پنبه‌دانه و فالیز^{۶۵} و خیار و خربوزه و هندوانه کاشتن را موقوف دارد که باعث تنگی و قحطی آب در مزارع و حاصل باغات شهری خواهد شد و اهل عمل علت دولایت^{۶۶} ضرر کلی را از این بابت می‌رسد، پس نفرین به کسی که ببیند و راضی باشد و صاحب قدرت اختیاری که به منع و زجرش قادر باشد اما داند و ممانعت نفرماید و چون عمل تنگ آبی در شهر و کوچه باغات این است که اهل دهات بازو^{۶۷} به زمین نبسته، زراعت خودشان را آبیاری می‌نمایند و این باعث تضییع آب و تلف آن در غیرموقع خواهد بود و همچنین نقاب^{۶۸} قنات بنای گنگ آب نهاده^{۶۹} رودخانه را داخل قنات^{۷۰} خود کرده، رود را با قنات^{۷۱} مغشوش می‌نمایند و این معنی باعث تنگی و کمی آب رودخانه می‌گردد، لهذا مقرر بر آن تأکید چنان شد که زارعین اراضی دهات زمین را کردوقار^{۷۲} کشیده بازو و کردوبندند تا زیاد از حوصله زمین آب را بجای بی‌مصرف خالی جاری نسازند و از حقابه خود زیاد توقع و شلتاق^{۷۳} بیحساب ننمایند و صاحبان قنات هم بلکه کسانی که حقابه ندارند، به هیچ وجه من الوجوه متعرض آب رودخانه نگردیده، به آب قنات ملکی خود اکتفا کنند و گنگ آب را که بدعت کرده بودند، موقوف نموده، مسدود سازند. الا دیزج لیلی‌خانی که اگر چه دو سهم نمی‌باشد اما مقدار سوراخ سنگ آسیابی، آب از رودخانه برده و بعد الیوم نیز خواهد برد اما به همانقدر باید سنگ بزرگی نهاده و آب را از سوراخش جاری سازند و الا گنگ آب جاری به باغ اسمعیل بک شهره و اراضی خطاپناه و بعضی از بلهجان که تا حال برده‌اند و در تحت آن اراضی حاصلخیز^{۷۴} [و] مرغوبه هست، آبیاری باید شد و بقدر کفاف خواهد رفت والا قناتی^{۷۵} که به علت سد کوره^{۷۶} بالجهتی از جهات دیگر آبش به دهات^{۷۷} نرسیده از کوره آن خارج و به رودخانه می‌ریزد و صاحب قنات هم مادام که قنات خود را تنقیه و آباد نکرده است، به قدری که آبش خارج و داخل رودخانه می‌شود، از جای دیگر خواسته باشد، همانقدر از رودخانه جدا و به ملک خودش جاری سازد، اما باید به مقدار^{۷۸} مرور آب مزبور گنگی از مس و یا سنگ صلبی ترتیب کرده در آنجا که جدا می‌سازد نصب



نماید^{۷۹} از سوراخش همانقدر آب جاری شود؛ و در کلیه این ضوابط شرط دیگر که اهم شرایط است، آنکه بنا بر فلیه^{۸۰} اشجار مغروسه در درون رودخانه و پر شدن میان آن به مرور و ممانعت بعضی اشجار که نزدیکتر به یکدیگر متصل به آب کاشته شده از جریان آب دایم مظنه آن، آفت قایم است که در وقت آمدن سیل بی‌امان به سبب سد راه آب از درخت‌ها و اخلاط مزبوره و از بر کردن و آوردن اشجار مغروسه به کنار شهر خرابی و ضرر کلی عارض گردد، لهذا مقرر و قدغن شدید شد که با عدم سد سدید در خارج شهر هر جا موازی سی زرع کمابیش^{۸۱} عرض رودخانه را قرارداده، کمتر از آن نگذارند و اشجار بین‌الطرفین را مهما امکن^{۸۲} برکنده و بیرون آورده، به فاصله ذراع مزبوره نشانند و در هر سه سال یکبار فعله داده در تنقیه و اخراج اخلاط که داخل رودخانه پیش آمده^{۸۳} به یکدیگر اعانت و کمک^{۸۴} نمایند، همگی اهالی که معتبرین ایشان در این کنکاش حاضر و ناظر بوده باشند^{۸۵}، رضا قائل و شاکر گردیده، ملتزم و متعهد شد هر که از نظام مزبور تخلف و تقلب و انحرافی جایز و روا ندارند، حتی بنظر، حتی بر ذمه خود لازم^{۸۶} و برعهده خویشتن واجب کردند که هر کس تجاوز و تعدی نماید، مواجب^{۸۷} و مصارف سالیانه یک نفر از سربازان را که در دفع کفره^{۸۸} فجره^{۸۹} دفعهم^{۹۰} الله تعالی سعی و جاهد می‌باشند، دادنی باشند تا بدین وسیله حسنه بعون^{۹۱} الله و قوته^{۹۲} اهل مملکت عموماً املاک خود را بدون منازعه و مخاصمه از رودخانه مزبوره آبیاری و مشغول^{۹۳} دعای^{۹۴} دوام دولت جاوید قاهره باشند. وقع ذلک فی سادس عشر شهر رمضان المبارک من شهر سنه سادس و عشرين و مأتین بعد الالف ۱۲۲۶».

بالای سند محل چند مهر است از علماء و بزرگان محل شامل مهر جناب شریعتمدار آقا میرزا محمدحسین آقا مجتهد، صادق الحسینی و حسین ابن مصطفی در قسمت بالای سند سمت چپ امضاء آقایان واعظفر معاون اداری بلدی و زارع همراه با تأیید تطابق و تقابل سواد سند با اصل شامل:

السواد مطابق الاصل للملحوظ حرره الداعی معاون اداری بلدی واعظفر سواد مطابق اصل است:

زارع



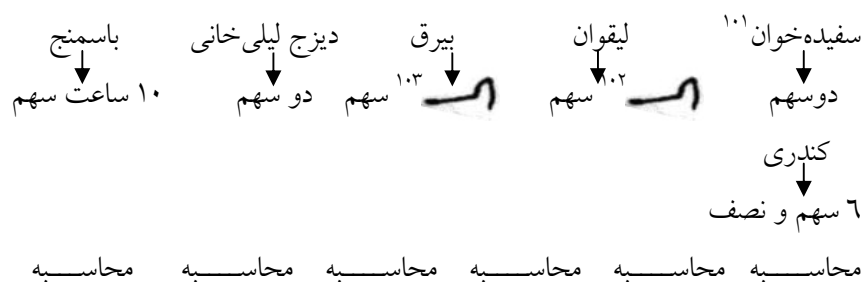
در سمت راست کلمه طیه «بسم الله الرحمن الرحيم» عبارت الکتاب علی النسخین نوشته شده است. در قسمت پایین سند محل مهر مرحمت پناه آقای میرزا علی اصغر شیخ الاسلام طاب ثراه است که در قسمت وسط نیز مشارالیه اضافه نموده، و در ضمن بیانات مسطوره این قید هم ضرور است که هر سه هنگام یکی در وقت رویانیدن تخم و یکی وقت خاک آب^{۹۵} و یکی وقت دانه آب^{۹۶} مجموع ارباب حقوق به آب رودخانه دست نزده تا هر وقتی از اوقات مزبوره اهل کوچه باغ درب جنوبی و چست دوزان دو شبانه روز آب کلاً به رسم لتاب^{۹۷} ببرند که ایشان در آخر شهرند و مراعات جناب املاک آنها ضرور است. ...^{۹۸} که مشارالیه امضا نموده و دوباره مهر کرده است. در قسمت پایین سمت راست سواد مطابق اصل است با امضای واعظ فر معاون اداری بلدی بتاريخ ۵/۳/۲۲ [۱۳۰] و در گوشه سمت چپ سواد مطابق اصل است با امضای زارع نوشته شده است.

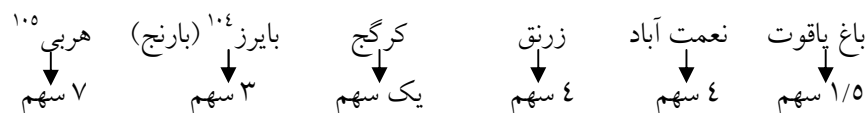
سند دوم

اداره جلیله بلدی و تأمین آذوقه مرکزی آذربایجان

چون فولادنامه و قراردادنامه های^{۹۹} قدیم در باب تقسیم آب رودخانه شهر مندرس و پاره شده است، لازم آمد که مجدداً در کاغذ محکم و بادوامی بموجب همان فولادنامه ها^{۱۰۰} چند نسخه نوشته شود که به همان قرار رفتار شده که اختلافی در میان آب بران محلات و دهات واقع نشود، پانزده روز به اول تابستان مانده، نوبه دهات داخل می شود تا پانزده روز از تابستان گذشته آب رودخانه مختص دهات است.

مفصل ذیل





بعد از پانزده روز که از اول تابستان بگذرد تا پانزده روز باقی میزان^{۱۰۶}، مختص محلات شهر است.

از ظهر روز یکشنبه الی ظهر روز دوشنبه یک شنبه روز حق ^{۱۰۷} و موافق تقسیم نامه خود مشروب فرمائید	از ظهر روز جمعه الی ظهر روز یکشنبه دوشنبه روز حق محله خیابان است که موافق تقسیم نامه خود مشروب می شود	از ظهر روز پنجشنبه الی ظهر روز جمعه حق خالصه است که باغ شمال مشروب می شود
از ظهر روز چهارشنبه الی ظهر روز پنجشنبه حقایه سیلاب ^{۱۰۸} و ششگلان	از ظهر روز سه شنبه الی ظهر روز چهارشنبه حق محله قره آغاج و یجویه است که خودشان ضمن تقسیم نامه قسمت نموده مشروب می شوند.	از ظهر روز دوشنبه الی ظهر روز سه شنبه حقایه محلات امیرخیزی و پل سنگی است

دیگر قرار است که در دهات در زیر آب رودخانه صیفی کاری نکنند که مخل^{۱۰۹} و مانع آب محلات شهر باشد و در قنوات کسی را حق نیست که گنگ آب داشته باشد مگر کوره اسماعیل یک به قدر و اندازه یک گنگ که مشهور به گنگ اسماعیل بیگی است که از رودخانه حق دارد، که همیشه باید از رودخانه برود. این چند کلمه جهت استحکام قرار قدیم نوشته شد.

تحریراً فی شهر رجب المرجب ۱۳۰۹

پی‌نوشت‌ها

۱. شهر تبریز است و پیر روزگار سرگذشت او بهین آموزگار
۲. گوارا
۳. کاریز و قنات و مجرای آب در زیر زمین
۴. اردیبهشت
۵. مهر
۶. آذر



۷. شهر
۸. دره ليقوان يکي از عمده‌ترين منابع توليد و تأمين آب مشروب شهر تبريز است و چاه‌هاي متعدد عميق در دره هروي و بيرق نقش عمده‌اي در آبياري شهر تبريز به عهده دارند.
۹. اصل: اشراف
۱۰. سرانگشتان
۱۱. تشنگان، اصل: مغطشان
۱۲. بيابان
۱۳. گمراهي
۱۴. آب شيرين و گوارا- نام چشمه‌ايست در بهشت
۱۵. آب شيرين و گوارا
۱۶. جمله دعائي به معني: خداوند مصون بدارد از بلايا و نابودي و هلاکت
۱۷. اصل: سراب
۱۸. اصل: نهان
۱۹. سايه او مستدام باد
۲۰. آفريدگان
۲۱. اصل: مالک‌رقاب
۲۲. اصل: مجاهددين الله
۲۳. روشن - تابان، نيکو
۲۴. اصل: لالافه
۲۵. اصل: العينه
۲۶. اصل: عباس سيد ظله الله علاء
۲۷. اصل: مقرر
۲۸. نظم و نسق دادن
۲۹. اصل: چاکره
۳۰. اصل: درگاہ
۳۱. اصل: ياريد
۳۲. اصل: تجديد
۳۳. اصل: چين
۳۴. اصل: بمقدم
۳۵. اصل: کريچ
۳۶. اصل: قنوت
۳۷. کشت زمستاني
۳۸. پاييز
۳۹. اصل: منفصي
۴۰. اصل: لہذاء



۴۱. نوبت‌گذاری
۴۲. اصل: سفیدخوئی
۴۳. عدد با حروف سیاق نوشته شده است به معنی ۶۰.
۴۴. همان
۴۵. اهل: هروی
۴۶. عدد با حروف سیاق نوشته شده است به معنی ۶۰.
۴۷. باسمنج
۴۸. عدد با حروف سیاق نوشته شده است به معنی ۱۰.
۴۹. همان
۵۰. عدد با حروف سیاق نوشته شده است به معنی ۶.
۵۱. عدد با حروف سیاق نوشته شده است به معنی ۱۰.
۵۲. اصل: کریج
۵۳. عدد با حروف سیاق نوشته شده است به معنی ۶۰.
۵۴. اصل: بمحلاتابان
۵۵. امیرخیز
۵۶. عدد با حروف سیاق نوشته شده است به معنی ۷.
۵۷. عدد با حروف سیاق نوشته شده است به معنی ۱۸.
۵۸. اصل: پندانه
۵۹. عدد با حروف سیاق نوشته شده است به معنی ۴.
۶۰. همان
۶۱. همان
۶۲. عدد با حروف سیاق نوشته شده است به معنی ۷.
۶۳. سرانجام، اصل: فالاً
۶۴. انگج یا انگش به زبان تبریزیان، گودال و چاله کم عمق باشد که مصب آب برای تقسیم و گرداندن آب از ممری به ممر دیگر حفر می‌کند. (نقل از روضات الجنان، قسمت حواشی، نوشته سلطان القرائی، ص ۱۱۸)
۶۵. معرب پالیز: خربوزه
۶۶. روش تقسیم آب در کرت‌های فالیزها که اصطلاح محلی است.
۶۷. پشته‌ای که در فالیزها می‌سازند و بر روی آن محصولات فالیزی می‌کارند، در اصطلاح محلی بازی می‌گویند.
۶۸. نقب‌کننده، سوراخ‌کننده، نقب‌زن.
۶۹. اصل: نهاله
۷۰. اصل: قنوة
۷۱. اصل: قنوت
۷۲. قطعه زمینی که کناره‌های آن را بلند کنند تا آب در آن نشیند و در میان آن سبزی کارند یا زراعت کنند- اصطلاح محلی
۷۳. نزاع و مرافعه



۷۴. اصل: حاصلخیزند
۷۵. اصل: قنوتی
۷۶. اصل: کوزه
۷۷. اصل: بدهند
۷۸. اصل: مقدار
۷۹. اصل: در آنجا جدا می سازد و نصب نماید.
۸۰. پونه - نعناع وحشی
۸۱. اصل: کمپیش
۸۲. اصل: مهما ممکن - در حد امکان - حتی المقدور - هر وقت ممکن بشود.
۸۳. احتمالاً آمده نوشته نشده است.
۸۴. اصل: کومک
۸۵. اصل: بودن باشند
۸۶. اصل: لازمی
۸۷. واجب
۸۸. کافران
۸۹. تبهکاران
۹۰. اصل: و فعهم
۹۱. اصل: بعیون
۹۲. اصل: فوته
۹۳. اصل: مشقول
۹۴. اصل: دعایی
۹۵. اصل: خاکباب - اولین آبی است که به زراعت کاشته شده می دهند.
۹۶. اصل: دنا ب - آبی که گاه دانه بستن سنبل های گندم و جو و مانند آن به مزرعه می دهند.
۹۷. پر آب
۹۸. ناخوانا: احتمالاً امضا باشد.
۹۹. اصل: قرارداد نام های
۱۰۰. اصل: فولاد نام های
۱۰۱. اصل: سفیدخونی
۱۰۲. عدد با حروف سیاق نوشته شده است به معنی ۷.
۱۰۳. همان
۱۰۴. اصل: بانریر
۱۰۵. اصل: هروی
۱۰۶. مطابق مهرماه
۱۰۷. اسم محله در بازنویسی سند از قلم افتاده است.
۱۰۸. اصل: سعل آب
۱۰۹. اصل: محل



منابع

- قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۳۰.
- بهرام‌پور، فرحناز، «قنات‌های تبریز»، خلاصه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، تهران، ۳۰-۲۷ خرداد، تهران، انتشارات بنیاد ایران‌شناسی، ص ۷۹.
- خاماچی، بهروز، فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۰ش، ص ۱۶، ۴۵۰، ۴۵۳-۴۵۲ و ۴۹۸-۴۹۷.
- دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، پاییز ۷۲.
- دیاکونف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵، ص ۲۷۲.
- شهرستانی، محمدعلی، «سفرنامه میرزا صالح شیرازی»، گنجینه اسناد، سال نهم، دفتر اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۵۶.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳ش.
- فرای، ریچارد، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۵ و ۶.
- فرهنگ جغرافیایی ایران، تهران، انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، جلد ۴، مهرماه ۱۳۳۰.
- فرهنگ لا روس، مترجم سید حبیب طیبیان، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۰ش.
- کریمیان، علی، «وقفنامه قنات ناصریه دولتخانه (باغشاه)»، گنجینه اسناد، سال دوازدهم، بهار و تابستان ۸۱، ص ۹۵.
- لمبتون، آن، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۴۵، ص ۳۸۷.
- محمد پادشاه، فرهنگ آنندراج، مصحح محمد دبیرسیاقی، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۶۳ش.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷ش.
- میرحیدر، حسین، معارف گیاهی، جلد ۱، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
- نادر میرزا، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، مقدمه و شرح و تعلیقات و تنظیم فهرست‌ها، محمد مشیری، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۵۱، ص ۳۴-۳۲.